

## نگاهی به زندگی پربار استاد دکتر حسین علی محفوظ

نوشته: عبدالحسین طالعی<sup>۱</sup>

**چکیده:** این گفتار به زندگی‌نامه و آثار علمی دکتر حسین علی محفوظ، استاد فقیه عراقی (۱۳۴۴-۱۴۳۰ هجری قمری / ۱۹۲۶-۲۰۰۹ میلادی) می‌پردازد. برخی از بزرگان خاندان علمی او که هشت سده تاریخ درخشان دارند، شرح حال مختصر و برخی از تألیفات و تلاش‌های علمی او، کوشش پی‌گیر او در احیای سنت حسنه روایت حدیث، فهرستی از مشایخ روایتی او، در این گفتار آمده و در پایان، منابعی برای آشنایی با شخصیت او و دو سند منتشر نشده درباره ارتباط علمی ایشان با استاد فقیه سید جلال‌الدین محدث ارموی آمده است.

**کلیدواژه:** محفوظ، حسین علی / دانشگاه بغداد / اجازه روایت حدیث / محدث ارموی، سید جلال‌الدین / تاریخ عراق، قرن ۱۴ و ۱۵ هجری قمری.

عن ابی جعفر علیه السلام: عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد.<sup>۲</sup>

---

۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه قم.

۲. کافی، کتاب فضل العلم، باب صفة العلم و فضله و فضل العلماء، حدیث ۸.

سرکشید از خاک، آن دانا که داشت در جهان فضل و بر ملک معانی سروری  
پیشوای اهل تحقیق و خداوند ادب کعبه معنی‌شناسان قبله دانشوری<sup>۱</sup>  
۲۳ محرم سال ۱۴۳۰ شاهد ضایعه فقدان یکی از دانشمندان کم‌نظیر بود که  
بیش از هشتاد سال عمر خود را به تعلّم و تعلیم و فراگرفتن و آموختن و پژوهش و  
نگارش گذرانده بود.

استاد دکتر حسین علی محفوظ، پژوهشگر میدان دانش‌های مختلف، که شهرها  
و دیارها را در پی جهاد علمی خود زیر پا نهاده و در هر جای، آثار و برکات  
حضورش نمایان بود.

فصلنامه سفینه افتخار یافت که در سالهای اخیر عمر آن محقق فقید، به فیض  
همکاری علمی معظّم له نائل گردد. و این، از زمانی بود که جناب ایشان، با قبول  
عضویت در هیئت تحریریه سفینه بر ما منت نهادند. و از آن پس، - به فراخور توان  
جسمی و با ملاحظه کھولت و آثار آن - گاه طرح کلی شماره‌های فصلنامه و گاه  
جزئیات برخی از مقالات را، چه حضوراً و چه از طریق تلفن، به محضر ایشان  
باز می‌گفتیم و از نظرات بی‌بدیل آن پیر دیر علم و دین بهره می‌گرفتیم.

اکنون پیکری که سال‌ها با آسایش بیگانه بوده و جز خدمت به علوم اهل  
بیت علیهم‌السلام کاری نمی‌شناخت، در جوار موالی خود، امام کاظم و امام جواد علیهم‌السلام  
خوش آسوده و آرام گرفته است. خدایش بیامرزد و در فردوس برین جای دهد!  
برای آشنایی بیشتر با این علامه فقید - که برای دانشوران ایرانی کمتر شناخته  
شده - وظیفه خود دیدیم که خلاصه‌ای از زندگی‌نامه علمی پربرگ و بار معظّم له را  
در اینجا بیاوریم.

## خاندان

آل محفوظ، خاندان علمی است، بس کهن و ریشه‌دار از شهر فرهنگ‌خیز «حله»

۱. بخشی از قصیده استاد بدیع‌الزمان فروزانفر در رثای میرزا محمدخان قزوینی.



که از قرن هفتم هجری تاکنون بزرگانی در خود پرورده و عالمانی به امت اسلام شناسانده است.

شیخ شمس الدین محفوظ ابن وشاح بن محمد اسدی حلّی، جدّ اعلای این خاندان - در قرن هفتم - یکی از افتخارات خود را انتساب به «بنی اسد» می دانست که در روز عاشورا، چه با تقدیم شهیدی کهن سال به آستان مقدّس ابی عبدالله علیه السلام، جناب حبیب بن مظاهر اسدی، و چه با خدماتی که پس از رویداد کربلا به خاندان و زائران حضرتش داشتند، نیکوترین نام را در تاریخ به جای نهادند.

آل محفوظ، از سوی دیگر، بنی عمّ «آل مطهر» به شمار می آیند، که علامه حلّی و فرزندش فخرالمحققین، از این خاندان هستند.

صاحب کتاب «غرر الدلائل» - که در شرح قصاید علویّه هفتگانه ابن ابی الحدید نگاشته - در آغاز کتاب خود تصریح می کند که این قصاید را در سال ۶۸۰ نزد استادش شیخ شمس الدین ابو محمد محفوظ بن وشاح در خانه اش در حلّه خوانده، و استاد، آن قصاید را از ناظم آن (ابن ابی الحدید) روایت می کرده است.

شیخ حسن بن شهید ثانی در اجازه کبیره، شیخ حر عاملی در امل الامل، شیخ محمد سماوی در کتاب الطلیعه و علامه امینی در الغدیر، مراتب علمی او را ستوده اند. و بزرگانی مانند ابن داوود حلّی در رثای او اشعاری سروده اند.

فرزندش تاج الدین ابوعلی محمد بن محفوظ نیز از بزرگان علمو ادب بود. شیخ حر عاملی در امل الامل، ابن فوطی در تلخیص مجمع الآداب و صفی الدین حلّی در دیوان خود، او را ستوده اند. و قصیده صفی الدین حلّی در مدح و رثای او قصائدی سروده است. وی در سال ۶۸۵ جانشین عزالدین احمد زنجانی قاضی القضاة حلّه شد.

شیخ حسین محفوظ، از تبار او بود که در سال ۱۱۷۱ در هرمل (لبنان) زاده شد و در سال ۱۱۸۲ به عراق آمد و در کاظمیه سکنی گزید. او نزد سید عبدالله بشرّ،

مراتب علمی را پیموده و در سال ۱۲۶۲ درگذشت.

سید حسن صدر در تکملة امل الأمل، با اشاره به زهد عملی و تلاش علمی وی، او را همراه با شیخ حسین نجف به عنوان «حسینین» نام می‌برد. شیخ مرتضی انصاری نیز او را «سلمان زمانو ابوذر روزگار خود» می‌خواند.

بیش از صد عالم در این خاندان شناخته شده‌اند که مجال بیان نام‌های آنها، خود رساله‌ای مفصل می‌طلبد که مرحوم دکتر محفوظ در دو کتاب خطی خود «تاریخ آل محفوظ» و «تاریخ الهرمل» به تفصیل آورده و در این اجمال نمی‌گنجد.

علاوه بر عراق، در جای جای لبنان و سوریه نیز، بزرگانی از این خاندان می‌توان یافت. از جمله نسب پطرس بستانی (متوفی ۱۸۸۳ میلادی)، سلیمان بستانی (م ۱۹۲۵)، ودیع بستانی (م ۱۹۵۴)، و فؤاد افراهم بستانی در لبنان نیز به همین خاندان می‌رسد.

#### نسب

حسین بن الشیخ علی (م ۱۳۵۵ ق) ابن الشیخ محمد الجواد (۱۳۵۸ ق) ابن الشیخ موسی (۱۳۲۰ ق) ابن الشیخ حسین (۱۲۶۲ ق) ابن الشیخ علی (۱۲۲۲ ق) ابن الشیخ محمد ابن الشیخ علی ابن الشیخ محفوظ، مشهور به دکتر حسین علی محفوظ، در روز دوشنبه ۲۰ شوال ۱۳۴۴ قمری (۳ دسامبر ۱۹۲۶) در کاظمیه، محله الشیوخ، شارع قریش، در خانه قدیمی خانوادگی خود دیده به جهان گشود. مادرش سیده خدیجه (م ۱۴۱۰ ق) دخت سید هاشم صائغ (م ۱۳۷۴ ق)، از دودمان جناب زید بن علی بن الحسین علیه السلام بودند که ابن حزم اندلسی در کتاب «جمهرة انساب العرب»، به ریاست این خاندان در کوفه و بغداد اشاره کرده است.

#### زندگی نامه علمی

دکتر محفوظ در مدارس کاظمیه و بغداد درس آموخت. در سال ۱۹۴۸ از

دارالمعلمین العالیة در بغداد لیسانس ادبیات (زبان عربی) و در ۱۹۵۵، در رشته ادبیات شرق (ادبیات تطبیقی) دکتر گرفت. در سال ۱۹۵۰ به دعوت دانشگاه تهران به تحصیل در مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی پرداخت و در سال ۱۹۵۷ از رساله دکترای خود تحت عنوان «المتنبی و سعدی» دفاع کرد. در همین زمان، در سال ۱۹۵۲ به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزیده شد.

دکتر محفوظ، در زمان کودکی پدر خود را از دست داد و تحت تربیت عمویش استاد محمد محفوظ درآمد. از عموی دانشمند و مادر فاضل خود بسیار درس آموخت و از کتابخانه موروثی خانوادگی بهره فراوان برد. علاوه بر دروس رسمی دانشگاهی، دروس حوزوی را نزد علمای روزگار خود فراگرفت. در کنار آن، دروسی همچون علم انساب، نجوم، ریاضیات، طب قدیم، منطق و فلسفه را نیز آموخت. در طول سالهای تهران، زبان فارسی باستان را از استاد ابراهیم پورداوود، زبان پهلوی را از دکتر صادق کیا، زبان اوستایی را از دکتر محمد مقدم و زبان سانسکریت را از پرفسور کنعا راجا آموخت. با استاد بدیع الزمان فروزانفر که استاد راهنمای رساله اش بود، و نیز استاد دکتر سید محمد مشکاة بسیار مأنوس بود. دکتر محفوظ می گفت: زمان عزیمت از بغداد به تهران، مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی - که در سال ۱۳۶۷ قمری به من اجازه روایت حدیث داده بود - طی نامه ای مرا به دکتر مشکاة معرفی کرد. و دکتر مشکاة، پس از آن، لطف و محبت خاص خود را از من دریغ نمی داشت. دکتر محفوظ، با وجود تبخّر در علوم مختلف - که بیش از ۱۵۰۰ اثر در موضوعات گوناگون نگاشت - خود را «خادم علوم القرآن و علوم الحدیث» و «سبط اهل البیت (علیهم السلام)» می دانست.

سرودن شعر را از ۱۳ سالگی شروع کرد، در سال ۱۹۳۹ که چند بیت در وصف بهار سرود، که به این فن تا آخر عمر مداومت داشت.

دکتر محفوظ سه سال (۱۹۶۱-۱۹۶۳) در دانشکده علوم شرقی دانشگاه

لنینگراد سابق (سن پترزبورگ فعلی) در روسیه، برکرسی شیخ محمد عیاد طنطاوی نشست و به تدریس ادبیات عرب پرداخت، و به لقب «استاد المستشرقین» دست یافت. در سال ۱۹۶۹ بخش پژوهش‌های شرقی را در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد بنیان نهاد که تا سال ۱۹۷۳ در سمت ریاست آن باقی بود.

از سال ۱۹۷۵ به بعد، درباره نسخه‌های خطی پژوهش‌های مختلفی به سامان برد که آثاری همچون: مصطلحات المخطوطات، مصطلحات المكتبة العربية، مصطلحات المخطوطات، مصطلحات المكتبة العربية، مصطلحات الخط، مصطلحات الرسم و النقش و التزیق، علاوه بر فهرست مخطوطات کتابخانه‌های مختلف در عراق، ایران، آذربایجان و روسیه در این زمینه، بر جای نهاد.

از سال ۱۹۷۸ به بعد، چندین اثر ماندگار در علم تقویم از او به جای ماند، که برخی ابتکاری بود، مانند: دائرة الاهلة (۱۹۷۸)، دائرة التقویم (۱۹۷۹)، تقویم القرن الخامس عشر الهجری (۱۹۷۹)، جدول الأدوار و الكبائس ستة آلاف سنة الهجرية (۱۹۷۹)، اوائل الشهور الاثني عشر فی القرن الخامس عشر (۱۹۸۱).

به آمار در پژوهش‌های خود بسیار بها می‌داد. به عنوان نمونه، در پی یک پژوهش طولانی در مورد میزان اثرگذاری زبان عربی بر چند زبان دیگر، به این نتایج دست یافت:

زبان اردو ۴۱/۹۵٪، زبان تاجیکی ۴۶/۳۹٪، زبان ترکی ۴۹/۷۰٪، زبان فارسی ۶۰/۶۷٪.

نیز: از یک پژوهش در آثار ۱۳۴۰ شاعر و ۱۶۰ نویسنده شرقی (غیرعربی) به این نتیجه رسید که الفاظ عربی در آثار اینان، ۵۲٪ در شعر و ۷۰٪ در نثر بکار رفته است.

دکتر محفوظ در نوشتن فرهنگ‌های تخصصی ید طولایی داشت، از جمله: معجم الآلات و الأدوات، معجم العلامات و الرموز، معجم الاضداد، معجم الالوان،

مصطلحات النقود، معجم الصنّاع و البیّاعین و المحترّفين، معجم الموسیقی العربیة. به تاریخ شهرهای اسلامی اهتمامی تمام داشت، به ویژه تاریخ عتبات عالیات، که تحقیقات او در این زمینه، در دوره «مرسوعه العتبات المقدسة» انتشار یافت. در جهت برگزاری مجالس بزرگداشت بزرگان علم و ادب، بسیار می‌کوشید، مانند: هزاره کندی فیلسوف، هزاره سید رضی، هزاره شیخ صدوق، هزاره صاحب بن عباد، هزاره شیخ مفید، بزرگداشت صفی الدین ارموی و ابن رحمة حویزی و ابن سینا و فارابی و فضولی بغدادی و... در طول این سالها، استدراک بر کتابشناسی‌هایی مانند کشف الظنون و معجم المطبوعات نوشت.

عضویت در فرهنگستان زبان ایران (۱۹۵۲)، جمعیت سلطنتی آسیایی لندن (۱۹۵۴)، مجمع اللغة العربیة قاهرة (۱۹۵۶)، مجمع علمی علیگره هند (۱۹۷۶)، مجمع علمی عربی دمشق (۱۹۹۳) و مجامع دیگر، در کارنامه اوست. و این تلاش علمی ادامه داشت تا اواخر عمر پربار خود که همراه با دو تن از یاران همراه، به تصحیح و تحقیق کتاب پیر ارج «تکملة امل الآمل» نوشته علامه محقق سید حسن صدر پرداخت و متن کامل آن را برای نخستین بار در شش جلد در لبنان منتشر کرد.

نگاه تقریبی او - در عین تصلّب به مبانی شیعی - بسیار دیدنی بود. استاد براساس آماري که از احکام شرعی استخراج کرده بود، به این نتیجه رسیده بود که تنها ۸/۳٪ درصد از احکام فقهی مورد اختلاف میان مذاهب اهل قبله است که در آن میان فقط ۵۶٪ از آن، حکم مختصّ شیعه امامیه است. (متن کامل این مقاله را دکتر محفوظ به نگارنده این سطور مرحمت فرمود که تلخیص آن در سفینه شماره ۱۵، ص ۱۸۲-۱۸۸ به چاپ رسید.)

در تصلّب او به مبانی شیعه و بزرگان آن، کافی است به یک نکته اشاره شود.

یکی از آثار جاودانه دکتر محفوظ، رساله‌ای دربارهٔ ثقة الاسلام کلینی و کتاب شریف کافی است که در سال ۱۳۷۴ قمری نوشته‌اند و در مقدمهٔ کتاب کافی (با تحقیق استاد فقید علی اکبر غفاری) آمده است.

استاد علی اکبر غفاری دربارهٔ این رساله می‌نویسد: «هی معربة عن مكانة الاستاذ في الثقافة الاسلامية و شموخه في الادب و تزلعه و براعته في الدراية و الحديث، فزينا الكتاب به مقاله تقديرًا لسعيه و إكباراً لمقامه».

و آیت الله سید محمدرضا حسینی جلالی دربارهٔ آن می‌نویسد: «از شاهکارهای ایشان مقدمه بر چاپ کتاب کافی مرحوم کلینی است که در تهران چاپ شده که با این کار، علاقه و عشق آقای دکتر محفوظ به حدیث و علوم آن نمایان شد». این رساله به زبان انگلیسی ترجمه شده و در ابتدای نخستین مجلد ترجمه انگلیسی اصول کافی (ترجمه آیت الله شیخ محمدرضا جعفری نجفی تحت عنوان "Al-Kulayni and Al-Kafi") درج شده است.

(چاپ تهران: سازمان جهانی خدمات اسلامی WoFis، ج ۱، ص ۲۷ تا ۴۶) ایشان به نگارندهٔ سطور می‌فرمود: «وصیت کرده‌ام نوشته‌هایی را که در مورد ثقة الاسلام کلینی نوشته‌ام، همراه با من دفن شود، باشد تا از شفاعت آن بزرگوار در روز قیامت بهره‌مند شوم.»

### روایت حدیث

از نقاط روشن و برجسته در زندگی دکتر محفوظ، تداوم راه استادش شیخ آقابزرگ تهرانی در برپایی رایت اجازة حدیث است. وی، از زمانی که نخستین اجازة روایی خود را در سن بیست سالگی، از شیخ آقابزرگ گرفت، تا آخر عمر پربار خود، نزدیک به صد اجازة روایتی، از محدثان شیعه امامی، زیدی، اسماعیلی، حنفی، حنبلی، مالکی، شافعی در زمینه‌های حدیث، قرائت قرآن، اذکار و ادعیه، خط، استخراج، علوم غریبه گرفت. و خود به صدها تن اجازة روایتی داد.



این اجازات در شهرهای مختلف بود، از جمله: نجف، کاظمین، سامرا، صور (لبنان)، طنجه، فاس (مغرب)، تهران، قم، زنجان، بغداد، دمشق، اصفهان، سمنان، سبزوار، پتربورگ، مدینه، بعلبک، بصره، موصل، علیگره، اربیل (عراق)، لندن، صنعاء (یمن)، تلمسان (الجزایر)، بعقوبه (عراق)، هرمل (لبنان).

دکتر محفوظ، چه در خاطرات شفاهی خود و چه در نوشته‌های کتبی، همواره تواضع خود را نسبت به علما و مراجع تقلید شیعه نشان می‌داد و استجازه آنها از خود را، نشانه تواضع آنها می‌دانست. از جمله در جایی می‌نویسد: «مرجع اکبر اقدم سید ابوالقاسم خویی (قدس الله سره) از من خواست که به او اجازه روایت دهم، در زمانی که به زیارتش مشرف شدم، در حالی که من سی سال داشتم و او پیرمردی سالخورده بود. این نهایت تواضع و آخرین حدّ خفض جناح بود، که در علوم حدیث، «روایة الأکابر عن الأصاغر» نام دارد. من به راستی حیا کردم، سکوت بر من غالب شد، در برابر هیبت چنان بزرگی...».

دکتر محفوظ در ارجوزه‌ای کوتاه، از همین مجلس چنین یاد می‌کند:

قال: «أجزني أنت» ينهلّ سنا	مشعشا، لّما استجزته انا
قال: أجزني، فسكتّ ادباً	و هيبه و خجلاً و رهبا
أكاد من فرط الحيا أذوب	و القلب قد قطّعه الوجيب
و المثلّي أن يجيز مثله	و كلّ و بل لايجاری طلّه
لكنّه تواضع الكبار	إذا حنوا فضلاً على الصغار
و هو تواضع الأعزّ الأجلل	مايخفض الجناح إلاّ أمثل
و أنّها روایة الأکابر	إذا روى الشيخ عن الأصاغر
و ذاك حقاً شرف عظیم	أرفع لا تناله النجوم
قد خصّني بلطفه إحساناً	و من يضاهاى الحيا تهتانا

در اینجا نام جمعی از مشایخ روایتی او - در رتبه‌های مختلف: اکابر، اصاغر، اقران - به ترتیب سال، از ۱۳۶۴ تا ۱۴۲۲ قمری یاد می‌شود. درباره برخی از این

اجازات و اهمیت آنها، سخن فراوان می‌توان گفت که مجال آن در این اجمال نیست.

توضیح	مُجیز	مکان	تاریخ
اجازه دیگر: ربیع الاول ۱۳۶۷	شیخ آقابزرگ تهرانی [۱]	کاظمین	۱۸ شوال ۱۳۶۴
	شیخ محمدبن رجبعلی تهرانی	سامرا	۲۰ ربیع الاول ۱۳۶۶
	سید صادق موسوی هندی	کاظمین	۲۷ شوال ۱۳۶۶
	شیخ عبدالحسین امینی	نجف	۴ ذی القعدة ۱۳۶۶
	شیخ عبدالرزاق عاملی	کاظمین	۶ جمادی الثانی ۱۳۶۷
	شیخ راضی آل یاسین	کاظمین	۱۲ رمضان ۱۳۶۷
	شیخ محمد سماوی	نجف	۲ شوال ۱۳۶۷
	شیخ جعفر نقدی	کاظمین	۸ جمادی الاول ۱۳۶۷
	سید عبدالحسین شرف‌الدین	صور	جمادی الاول ۱۳۶۷
	حافظ ابوالفیض احمدبن محمدبن صدیق غماری مغربی [۲]	طنجه	۲۵ ربیع الثانی ۱۳۶۹
	محمد عبدالحی حسن ادیسی کتانی مغربی	فاس	جمادی الاول ۱۳۶۹
	شیخ محمدعلی اردوبادی	نجف	شوال ۱۳۶۹
	شیخ محمدعلی مدرس خیابانی تبریزی	تهران	۲۱ ربیع الثانی ۱۳۷۰
	سید صدرالدین صدر	قم	شعبان ۱۳۷۰
	سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی	قم	۲۵ شعبان ۱۳۷۰
سید محمد حجت کوه کمری	قم	۲۶ شعبان ۱۳۷۰	
میرزا فضل‌الله زنجانی	زنجان	آخر ذی الحجة ۱۳۷۰	
سید تقی‌الدین هلالی مغربی [۳]	بغداد	۱۹ جمادی الاول ۱۳۷۰	



توضیح	مُجیز	مکان	تاریخ
	جلال الدین همایی اصفهانی	تهران	۲۶ جمادی الاول ۱۳۷۰
	سید محسن امین عاملی [۴]	دمشق	۱۳۷۱
	سید محمد بهبهانی	تهران	۲۶ جمادی الثانی ۱۳۷۱
	شیخ محمد باقر الفت	اصفهان	رجب ۱۳۷۲
	علویہ اصفهانی (بانو امین)	اصفهان	۱۵ رجب ۱۳۷۲
	میرزا حسن چهار سوقی	اصفهان	۱۲ شوال ۱۳۷۴
	سید عبدالله حسینی ثقة الاسلام	اصفهان	۱۱ ربیع الثانی ۱۳۷۴
	سید عبدالحجۃ بلاغی (نعمت اللہی)	اصفهان	۱۳۷۴
	شیخ محمد علی معلم حبیب آبادی	اصفهان	ربیع الثانی ۱۳۷۵
	شیخ محمد صالح حائری مازندرانی	سمنان	۱۷ ربیع الاول ۱۳۷۵
	سید عبدالله برهان سبزواری	سبزوار	ربیع الثانی ۱۳۷۵
	ابوالفضل عبدالله محمد صدیقی [۵]	—	۱۳۷۵
	سید جمال الدین گلپایگانی	تهران	شوال ۱۳۷۶
	حاج محمد ناصر محمد کبوی [۶]	بغداد	۶ رجب ۱۳۸۲
	شیخ محمد فاضل بن عاشور تونسلی [۷]	بغداد	۱۰ رجب ۱۳۸۲
	عبدالباری اوفای [۸]	لنینگراد	آخر محرم ۱۳۸۳
	شیخ عبدالسلام بن عبدالقادر قریشی مغربی [۹]	مدینہ	۲۹ ذی القعدہ ۱۳۸۳
	شیخ محمد ابراہیم بن سعد اللہ فضلی ختئی	مدینہ	۲۹ ذی القعدہ ۱۳۸۳
	شیخ محمد بدر عالم ہندی مدنی	مدینہ	۲ ذی الحجہ ۱۳۸۳
	شیخ عبدالغفور بن شاہ سید حنفی نقشبندی مدنی	مدینہ	۳ ذی الحجہ ۱۳۸۳
	شیخ سید قاسم اندجانی فرغانی مدنی	مدینہ	ذی الحجہ ۱۳۸۳
	سید محمد مہدی خوانساری کاظمی	کاظمین	۴ ربیع الاول ۱۳۸۴
	شیخ حبیب مہاجر عاملی	بعلبک	۱۹ ربیع الثانی ۱۳۸۴

توضیح	مُجیز	مکان	تاریخ
	سید محمد صادق بحر العلوم	نجف	۲۴ ذی القعدة ۱۳۸۴
	سید هادی حسینی تبریزی	کاظمین	۶ صفر ۱۳۸۷
	ملا عبدالکریم مدرس مریوانی بیاری [۱۰]	بغداد	۱۲ رمضان ۱۳۸۷
	شیخ حسین قدیحی قطیفی بحرانی [۱۱]	نجف	۱۳۸۷
	میرزا عباس اخباری [۱۲]	بصره	۱۴ صفر ۱۳۸۸
	میرزا نجم الدین شریف عسکری	کاظمین	ربیع الاول ۱۳۸۸
	شیخ محمدرضا طبسی	نجف	۱۹ جمادی الثانی ۱۳۸۸
	میرزا حسن موسوی بجنوردی	نجف	۱۹ ذی الحجه ۱۳۸۸
	سید علی نقی نقوی لکهنوی (هند)	علیگره	۲۰ صفر ۱۳۸۹
	سید محمد علی اعرجی	کاظمین	۱۲ جمادی الثانی ۱۳۸۹
	قاضی شیخ محمد رشاد مفتی [۱۴]	ارییل	جمادی الثانی ۱۳۸۹
	سید عباس بشر	بصره	۲۲ رجب ۱۳۸۹
	شیخ مصطفی نقشبندی غیائی	ارییل	رجب ۱۳۸۹
	سید محمد حسین حسینی جلالی [۱۵]	نجف	شوال ۱۳۸۹
	شیخ علاء الدین سجّادی	بغداد	۲۸ ربیع الاول ۱۳۹۰
	شیخ محمد علی مدرس افغانی	بغداد	۷ ربیع الثانی ۱۳۹۰
	شیخ احمد فهمی مصری [۱۶]	بغداد	۱۰ ربیع الثانی ۱۳۹۰
	سید احمد مستنبط	نجف	ذی الحجه ۱۳۹۰
	شیخ فرج عمران قطیفی	نجف	۱۶ جمادی الاولی ۱۳۹۱
	شیخ محمد علی بن الیاس موصلی حنفی	موصل	۱۶ جمادی الاولی ۱۳۹۱
	سید محمد مشکاة [۱۷]	لندن	۲۷ محرم ۱۳۹۳
	شیخ محمد بهجب بیطار دمشقی	دمشق	۶ رجب ۱۳۹۳
	شیخ محمد بن علی اکوع یمانی	بغداد	۲۶ شوال ۱۳۹۵



توضیح	مُجیز	مکان	تاریخ
	شیخ عبدالمجید بن اسماعیل خطیب [۱۸]	موصل	۱۳۹۷
	قاضی محمد بن اسماعیل عمرانی یمانی	صنعاء	۹ رجب ۱۳۹۸
	ابوالحسن علی ندوی	تلمسان	شوال ۱۴۰۲
	شیخ حمدی بن عبدالمجید سلفی کردی	بغداد	۲ رجب ۱۴۰۴
	شیخ محمد شاذلی تونسسی	بغداد	۱۴۰۴
	شیخ شمس الدین واعظ کاظمی	نجف	۲۲ ربیع الاول ۱۴۰۹
	سید علی الاعلی سبزواری	نجف	۲۵ شعبان ۱۴۰۹
	سید عبدالکریم آل سید علی خان مدنی	بعقوبه	۲۹ جمادی الاولی ۱۴۱۱
	شیخ عیسی بن عبدالحمید خاقانی	کاظمین	۵ جمادی الاولی ۱۴۱۳
	سید محمد جزائری موسوی	تهران	شوال ۱۴۱۳
	سید علی حسینی سیستانی	نجف	۶ محرم ۱۴۱۴
	شیخ محمد امین زین الدین	نجف	۱۴۱۴
	شیخ علی غروی	نجف	۷ ربیع الاول ۱۴۱۵
	سید محمد موسوی کلانتر	نجف	۲۷ جمادی الآخرة ۱۴۱۵
	سید محمد سعید طباطبایی حکیم	نجف	۱۲ رجب ۱۴۱۵
	شیخ ملاعباس شامی	کاظمین	۱۱ شعبان ۱۴۱۵
	سید محمد علی حمامی نجفی [۱۹]	نجف	۱۴ ذی القعدة ۱۴۱۸
	شیخ موسی شراره [۲۰]	هرمل (لبنان)	۱۴ ذی الحجة ۱۴۱۷
	سید حسین بحر العلوم	نجف	۱ رجب ۱۴۱۸
	سید علاء الدین موسوی غریفی	نجف	۵ رمضان ۱۴۲۱
	شیخ اسحاق فیاض	نجف	۱۲ رمضان ۱۴۲۱
	سید علی بهشتی	نجف	شوال ۱۴۲۲
	شیخ بشیر نجفی	نجف	شوال ۱۴۲۲

### توضیحات کلی جدول

الف) مواردی که با علامت ستاره مشخص شده، اجازه مدیحه است، یعنی در یک مجلس همزمان، مجیز به مجاز اجازه می‌دهد و از او اجازه می‌گیرد.  
 ب) از یادکرد القاب تجلیل و تکریم در مورد این بزرگان صرفنظر شد.  
 ج) دکتر محفوظ به کار اجازه گرفتن و اجازه دادن تا آخر عمر خود اشتغال داشت. لذا تکمیل این جدول، ضرورت دارد.

### توضیحات جزئی جدول:

- ۱- اجازه دیگر ایشان به تاریخ ربیع الاول ۱۳۶۷ در شهر نجف بود.
- ۲- از بزرگان اهل تسنن در منطقه مغرب
- ۳- اجازه دیگر ایشان به تاریخ ۱۵ ماه رمضان ۱۳۷۰
- ۴- این اجازه را مرحوم امین عاملی در اواخر عمر خود در بیمارستان نوشت.
- ۵- اجازه دیگر ایشان به تاریخ ۱۳۷۸. وی از بزرگان شافعیه زمان خود بود.
- ۶- وی از عالمان نیجریه آفریقا بود و این اجازه در مدرسه مستنصریه بغداد صادر شد.
- ۷- وی قاضی القضاات تونس بود.
- ۸- امام جمعه سن پترزبورگ
- ۹- صاحب کتاب «دلیل مؤرخ المغرب»، که در کتابخانه شیخ الاسلام احمد عارف حکمت، این اجازه را نوشت.
- ۱۰- این اجازه را در حجة خود در حرم قادریه نوشت.
- ۱۱- این اجازه، شفاهاً و به واسطه شیخ آقا بزرگ تهرانی از او اخذ شد.
- ۱۲- وی رئیس اخباریون در بصره بود.
- ۱۳- وی، خطیب حرم یونس نبی ﷺ در موصل، و شیخ القراء در آن دیار بود و سه بار اجازه روایتی داد: ۱۴ و ۲۲ و ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۸۸.



۱۴- وی قاضی اربیل (عراق) بود.

۱۵- وی اکنون در شیکاگو (امریکا) اقامت دارد و به ترویج تشیع در آن دیار مشغول است.

۱۶- وی استاد دانشکده شریعت و قانون در دانشگاه الازهر بود.

۱۷- وی قبلاً در سال ۱۳۷۰ قمری در تهران به دکتر محفوظ شفاهاً اجازه روایتی داده بود.

۱۸- ملقب به سراج القراء، خطیب مسجد شیث نبی ﷺ در موصل.

۱۹- از مراجع تقلید، که اجازه شفاهی را در ۲۷ ماه رمضان ۱۴۱۷ در کاظمین داده بود.

۲۰- مفتی هرمل.

### سخن پایانی

بی تردید، عمری چنین پربار، با خوان علمی که چنین گسترده بود - در تمام زمینه ها و در تمام شهرهایی که سفر کرده بود - به گفتارهایی دیگر نیاز دارد. صدها شاگرد دست پرورده ایشان، سخن ها برای گفتن دارند، که باید در تاریخ ثبت شود. آنچه در این مقاله مختصر نوشته آمد، مبتنی بر چند نوشتار است که در کمال استعجال در روز ۶ بهمن ۱۳۸۷ بر اساس منابع زیر تدوین شد:

۱- تاریخ آل محفوظ فی العراق و لبنان.

۲- جنی الجنتین (فهرستی از اجازات)

۳- زندگینامه خودنوشت استاد

۴- اجازة القرائه و روایه القرائات

۵- الوفاق بین المذاهب الاسلامیة

این پنج اثر، همه از تألیفات مرحوم استاد دکتر حسین علی محفوظ است که نسخه ای از آنها را در آبان ۱۳۸۶ شمسی در قم به نگارنده این سطور مرحمت

فرمودند.

۶- مقاله «جوانب منسیة فی دراسة السنة النبویة» اثر استاد فقید (رسالة التقرب، ش ۶۰، ص ۱۸۱-۱۹۸) که در پایان آن ۵۰ پیشنهاد برای ادامه پژوهش‌های علمی در زمینه علم الحدیث آورده‌اند. (گزارشی از آن پیشنهادها در شماره ۱۹ سفینه نقل شد).

۷- فهرست بعض اعمال الاستاذ الدكتور حسین علی محفوظ (المنشوره)، ۱۹۴۱ - ۲۰۰۲، باهتمام کلیه اللغات، جامعه بغداد.

این فهرست، عناوین بخشی از مقالات و نوشته‌های استاد را به ترتیب تاریخ نگارش یا انتشار دربر می‌گیرد.

۸- از من ایشان را هزاران یاد باد. (گفتگوی امیر حسین شرافت با دکتر محفوظ، روزنامه اطلاعات ۵ بهمن ۱۳۸۷، ص ۶).

۹- مجله الکوثر، چاپ قم، شماره ۲۳، رجب ۱۴۲۶، ویژه‌نامه دکتر محفوظ. (شامل ۱۰ گفتار منظوم و منثور از استاد فقید)

۱۰- دکتر حسین علی محفوظ اندیشمندی فرزانه نوشته موسی دانش - مجله مشکوة، چاپ مشهد، ش ۸۶، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۲۰-۱۲۶.

۱۱- الدكتور حسین علی محفوظ ونظریة التقرب بین المذاهب الاسلامیة - نوشته دکتر جودت قزوینی - انتشارات the open school، شیکاگو.

۱۲- گفتار آیت الله سید محمدرضا جلالی در مورد استاد دکتر محفوظ (منتشر نشده).

۱۳- چندین جلسه تشرف حضوری نگارنده این سطور به حضور آن فقید.

#### پیوست

به پیوست این گفتار، دو نمونه از دستخط‌های استاد فقید می‌آید:

سند اول - نامه‌ای است که ایشان در سال ۱۹۷۴ از لندن برای محقق فقید استاد



سید جلال‌الدین محدث ارموی فرستاده است. البته این ارسال به واسطه استاد فقید مرحوم علی‌اکبر غفاری بوده، چنانکه ظهر پاکت به نشانی مکتبه الصدوق در آن زمان است. این نامه به لطف خلف الصدق استاد محدث ارموی، جناب میرهاشم محدث در اختیار این بنده قرار گرفته، که از این لطف تشکر می‌کنم.

سند دوم - متنی کوتاه که دکتر محفوظ سال گذشته (۱۳۸۶ شمسی) در سفر قم، در مورد مرحوم محدث ارموی نوشتند. و ترجمه آن را در مجلس بزرگداشت استاد محدث ارموی در کتابخانه مجلس خواندم. این دو سند برای نخستین بار منتشر می‌شود.

